



شپښگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني

تئاتر

FESTIVAL D'AVIGNON

آوینیون

چهارراه خلاقیت

گزارشی از پنجاه و دومین جشنواره

آوینیون - تابستان ۹۸

مهمین صدایی

information - 04 90 14 14 25



معرکه پس از چهار اجرا در Cite Unversite پاریس، به این رویداد هنری پیوست.

در صفحات آتی گزارش مبسوط این رویداد را ملاحظه خواهید نمود. اما به طور اختصار نکات قابل تأمل در فستیوال آوینیون را می توان چنین برشمرد:

- ۱ - یک شهر چون سازمانی واحد با یک هدف و آن برگزاری هرچه مطلوب تر جشنواره بود.
- ۲ - آوینیون شهری است با قدمتی تاریخی در خدمت فرهنگ و هنر.

پنجاه و دومین فستیوال آوینیون از دهم ژوئیه تا دوم اوت ۹۸ با حضور گروه های تئاتر، اپرا، باله، حرکات موزون، سیرک، آکروبات و شعبده بازی با حضور کشورهای: تایوان، ژاپن، ایتالیا، لیتوانی، روسیه، چین، آمریکا، سوئیس، بلژیک، آفریقا، کره - که امسال سال فعالیت های هنری کره بود - و ایران برگزار شد. جشنواره آوینیون با حضور گروه های نمایشی متعدد از قاره های مختلف به چهارراه تبادل اندیشه و هنر مبدل شده است. ۱۷ ژوئیه گروه ایرانی با نمایش «معرکه در

۳ - تبلیغات به اشکال گوناگون و با گستردگی فراوان بدون لطمه زدن به هویت شهر در خدمت جشنواره قرار داشت.

۴ - جمعیت شهر صد هزار نفر، پذیرش توریست در زمان برگزاری جشنواره یک و نیم برابر جمعیت شهر بدون آنکه خللی در روند گردش کار در شهر به وجود آید.

۵ - زیبایی در عین سادگی، متکی بر عنصر خلاقیت. این مصداق در اجراها نیز صرف نظر از مثبت یا منفی ارزیابی کردن آثار کاملاً مشهود بود. خلاقیت صحنه‌ای حرف اول را می‌زد نه به رخ کشیدن امکانات صحنه‌ای و حیف و میل کردن بودجه.

۶ - جوان‌گرایی چه در تولیدات نمایشی و چه در سازمان اداری تشکیلات جشنواره کاملاً مشهود بود.

۷ - تنوع آثار اجرا شده در جشنواره آوینیون از اجرای آثار کلاسیک، آیینی - سنتی تا اجراهای معاصر و مدرن کم و بیش به یک اندازه دارای گستردگی بودند.

۸ - اجراها به آسیا، اروپا و آمریکا لاتین اختصاص داشت.

۹ - جشنواره در دو بخش اصلی IN با اجرای ۱۳ تئاتر، ۵ اپرا تئاتر، یک سیرک، سه برنامه حرکات موزون، برنامه هنر آسیا شامل ۱۱ برنامه، ۲ برنامه موسیقی و برنامه‌های متنوع متن خوانی و... برگزار شد.

۱۰ - بخش جنبی Off با شرکت ۲۵۰ گروه نمایشی، ۵۰۰ نمایش و حضور ۲۰۰۰ بازیگر کار خود را به پایان برد. شرکت در بخش جنبی با هزینه کمپانی‌های تئاتر یا خود گروه‌ها است که انجام می‌گیرد. بازار عقد قرارداد و دعوت به جشنواره‌های دیگر و در یک کلام کشف شدن، علت غایی حضور در جشنواره است. هرچند که در سال‌های نه چندان دور این بخش، بخش

معرض و جست‌وجوگر بود و تماشاگرانی که به دنبال دریافت ادراکات و کشف واقعیات زمانه خود بودند و یا سؤالات جدید در خصوص زندگی، فلسفه و... در نهایت به دنبال جریانات خلاق نمایشی بودند نه قرارداد‌های رایج صحنه‌ای، مشتاقان این بخش را تشکیل می‌دادند و مخاطبینی که نمی‌پنداشتند حقیقت تنها نزد آنان است و بس، تماشاگران این بخش را تشکیل می‌دادند. بیش‌ترین حضور در جشنواره متعلق به جوانان بود. موضوعات مطرح شده در آثار اجرا شده نیز بسیار گسترده بود، از طرح موضوعاتی که به درد میان‌برده‌های تلویزیونی می‌خوردند تا پیچیده‌ترین مسائل فلسفی و اجتماعی. به دلیل کثرت آثار اجرا شده، فرصت دیدن همه آثار برای هیچ تماشاگری مهیا نمی‌شد. اما از این بین آثاری که بیش‌تر سر و صدا پیرامون خود ایجاد کردند و نظر نشریات و تماشاگران را به خود جلب نمودند را برای دیدن انتخاب کردم و بعضی از اجراها صرفاً به دلیل کنجکاوی شخصی انتخاب شدند، که در جای خود بدان‌ها اشاره خواهد شد. برای آشنایی بیش‌تر خوانندگان با این جشنواره سعی شده است که اطلاعات کلی و تاریخچه برگزاری جشنواره به نظر خوانندگان محترم برسد. برای آگاهی بیش‌تر از چند و چون برگزاری جشنواره گفت‌وگوهایی نیز با مسئولین جشنواره انجام شد که ملاحظه خواهید فرمود.

لازم می‌دانم از تمامی کسانی که ما را یاری نمودند و از هیچ کوششی فروگذار نکردند، تشکر نمایم. به خصوص از جناب آقای نادعلی همدانی که کار ترجمه بولتن‌های جشنواره، بروشورها و ضمیمه لوموند را متقبل شدند.

گفت‌وگو با دبیر فستیوال جنبی

آوینیون ۹۸

این مصاحبه با حضور سرکار خانم فریندخت زاهدی و همراهی ارزشمند جناب آقای صدرالدین زاهد - که زحمت ترجمه این گفت‌وگو را برعهده داشتند - انجام پذیرفت. از لطف بی‌پایانشان سپاسگزارم. هرچند که کرا را می‌گفتند: «این به خاطر تئاتر است.»

ساعت ۱۲ ظهر در دفتر جشنواره قرار ملاقات داریم. در راه به کلمات ژان کلود کایر می‌اندیشم که گفته: جنبی برعکس اصلی است؛ برخلاف بسته و محرمانه، برخلاف محدود و مجزا است. راهی است باز، ماریج، یک جاده، ۵۰ تئاتر با گردنه‌ها و کمین‌ها. جنبی آن چیزی است که در بیرون است، آن چیزی که جلو می‌آید، آن چیزی که خلاف قاعده‌ها را می‌پذیرد، آنچه در دست‌انداها فرو می‌رود و از آن بیرون می‌آید. چیزی است که خود را عرضه می‌کند، خود را جلو می‌اندازد، خود را مضروب می‌کند، پافشاری می‌کند... و چیزی که زنده است.

رأس ساعت مقرر خود آقای لئونارد با چهره‌ای مهربان و متبسم به استقبالمان می‌آید. - در آن شلوغی و ازدحام کارو آدم، همه با جدیت و چهره‌هایی خندان مسؤلیشان را انجام می‌دهند - به طبقه پایین می‌رویم، یک صندلی کم است. تا منشی جشنواره تصمیم بگیرد که صندلی بفرستد، آقای لئونارد فوراً می‌رود و با یک صندلی برمی‌گردد، می‌نشیند و پس از خوش آمدگویی و احوالپرسی می‌گوید که آماده است. در فضایی ساده و صمیمی با او به گفت‌وگو می‌نشینیم.

○ آقای لئونارد از خودتان بگویید؟

● دوست ندارم از خودم خیلی حرف بزنم... نویسنده و بازیگرم. خودم در فستیوال جنبی بازی کرده‌ام و در سال ۱۹۸۲ انجمن مردمی آوینیون را بنیاد گذاشتم که شامل تمام کمپانی‌های تئاتری می‌شود که در بخش جنبی آوینیون حضور دارند و بازی می‌کنند و هر ساله تماشاگرانی را که به فستیوال آوینیون می‌آیند دور هم جمع می‌کنند.

من ترجیح می‌دهم که تاریخچه فستیوال جنبی را به‌طور خلاصه برایتان بگویم. البته؛ شاید خیلی هم دقیق نباشد. سال ۱۹۶۰ فعالیت بخش جنبی با حرکت‌های زیرزمینی و زیربنایی شروع شد که در آن سال‌ها در همه‌جای اروپا شروع شده بود. این حرکت، حرکتی کاملاً سیاسی و نیز برای درهم‌شکستن غالب‌ها شکل گرفت. تمام این حرکت‌ها به جایی رسید که در سال ۱۹۶۸ همان‌طوری که دیدید منجر به مسائلی شد که در چک و اسلواکی در اروپای شرقی، اروپا و حتی در آمریکا اتفاق افتاد.

تئاتر همیشه وابستگی نزدیکی با اتفاقات سیاسی زمانه دارد. برای همین در شروع، فستیوال جنبی به‌منظور مخالفت با زیربنا و قراردادهای اجتماعی شکل گرفت. به‌خصوص فستیوال جنبی در سال ۱۹۷۰ قوت گرفت. وقتی در سال ۱۹۸۲ انجمن جنبی را درست کردم در آغاز ۷۰ نمایش حضور داشتند و امروز ما به مرز بیش از ۵۰۰ نمایش در روز رسیدیم. اما الان وضعیت طوری شده که یک حالت عادی این بخش به خود گرفته و آن شدت قبلی را از دست داده است. هرچقدر در دهه ۶۰ و ۷۰ ضد قدرت بودیم. امروز همه قدرت را تأیید می‌کنند و دیگر ضد تشکیلات اداری نیستند.

ما فرانسوی‌ها عادت داریم به چیزی که پابرجا شده و جا افتاده معترض باشیم.

وقتی که من بازی می‌کردم هیچ تمایلی نداشتم در

استوار شده است و اصل و بنیاد کاری ما همین آزادی است.

○ این آزادی باعث نزول کیفیت کارها نمی‌شود؟

● اگر شما این سؤال را دارید در واقع شما به تماشاگران مشکوک هستید. تماشاگر قضاوت می‌کند نه ما. این حرف شما را خیلی‌های دیگر هم می‌گویند. این فستیوال آزاد است و این امتیاز را به تماشاگر هم داده است با اینکه ما می‌دانیم و آگاهییم که این فوران می‌تواند یک هرج و مرج ایجاد کند. بسیاری به ما ایراد گرفتند که بعضی از نمایش‌ها مزخرفند. حتی در فستیوال اصلی که نویسندگان و کارگردانان برجسته شرکت می‌کنند گاهی آنها هم خیلی بد هستند.

○ معیار انتخاب آثار چیست؟

● دو نوع تماشاگر اینجا است. تماشاگر بخش اصلی که به دنبال اسامی می‌رود ولی تماشاگر واقعی داریم به دنبال کشف چیزهای نو است. ما آرزو می‌کنیم تماشاگر هم مثل کمپانی‌های تئاتر ریسک کنند که به جوانان اجازه فعالیت می‌دهند.

○ از وقتی صحبت اروپای متحد مطرح شده چه

تغییری در فستیوال اتفاق افتاده است؟

● در حال حاضر من تفاوتی حس نمی‌کنم؛ ما می‌ترسیم که واقعاً تأثیری داشته باشد. برای اینکه ما در فرانسه فعالیت‌های اجتماعی مردمی خوبی داریم. ترس من از این است که این اتحادیه به منصفه ظهور برسد و کمک‌های دولتی مؤثری که برای فعالیت‌های مردمی قایل بودیم را از بین ببرد و این فعالیت‌های اجتماعی خوب مردمی را خراب کند. در فرانسه کمپانی‌هایی داریم که کمک‌های دولتی دریافت می‌کنند ولی در دیگر کشورهای اروپایی کمک‌های دولتی



DU 10 AU 28 JUILLET 1981

بخش اصلی باشم. در حالی که امروز تمام این تظاهرات فراموش شده، از این رو است که می‌گویم بیایید دوباره آرزو کنیم که آن روزها تکرار شوند. الان تمام کمپانی‌ها می‌خواهند بروند در بخش اصلی.

مسئله‌ای که خیلی در جنبی مهم است تعداد نویسندگان جوان و بسیار زیادی است که اجراها متعلق به آنها است.

○ آنقدر تعداد زیاد است که هیچ لیمیدی وجود

ندارد و همه برای انتخاب گیج هستند؟

● قبلاً اشاره کردم که فستیوال جنبی بر مبنای آزادی

خیلی کم است.

○ الان گروه‌ها از این کمک‌ها به چه شکلی

استفاده می‌کنند؟

● در بخش جنبی همه جور کمپانی داریم. کمپانی‌هایی که سوسپانسیون - تعلیق - دارند ولی بعضی‌ها نه. در دو استان فرانسه شهرداری به کمپانی‌ها صد در صد کمک کرده است. کمپانی‌هایی که از خارج می‌آیند در جشنواره حضور پیدا می‌کنند و بعد با این حضور می‌روند و پول دریافت می‌کنند.

ما کمک شهر آوینیون و وزیر فرهنگ و هنر را داریم و بخش قابل توجهی از کمک‌ها را کمپانی‌ها می‌پردازند حتی کمک تماشاگران هم هست. مؤسسات و انجمن هنرهای نمایشی هم به ما کمک می‌کنند.

○ با چه بودجه‌ای کار می‌کنید؟

● سه میلیون فرانک، کم و زیاد دارد و در واقع این بودجه در مقابل حجم کار ما خیلی کم است، اما بسیاری از طرفداران ما به جشنواره کمک می‌کنند.

○ سازمان هنری و اداری تشکیلات جنبی - off

- در تمام طول سال فعال هستند؟

● تمام سال و در واقع از همین الان فعالیت‌ها شروع شده است ولی دوره فشرده فعالیت‌ها از اول ماه آوریل شروع می‌شود و کار ما با پایان فستیوال تمام نمی‌شود برای اینکه در طول سال باید به تماشاگران و کمپانی‌های تئاتر اطلاعات بدهیم، تا در فصل زمستان تماشاگران به سالن‌های نمایش بروند و استقبال خوبی از اجراها به عمل بیاید.

○ برای بروز خلاقیت بیشتر در بخش جنبی

چه سیاستی دارید؟

● تنها چیزی که هدفم است و دلم می‌خواهد به شما

بگویم این است که: سیستم کاری را به عهده کمپانی‌های تئاتر باید سپرد چون در واقع آنها هستند که به این فعالیت‌ها شکل می‌دهند و هنرمندان آن چیزی را می‌گویند که دلشان می‌خواهد بگویند و اصلاً معتقد نیستیم که یک نفر بگوید که چه کار کنیم. باید به این انتخاب آزاد احترام گذاشت.

○ آقای لئونارد چقدر با تئاتر ایران و

جشنواره‌های تئاتری ایران آشنا هستید؟

● هیچ نمی‌دانم و خجالت زده‌ام. مشکل ما این است که توجه همه کشورها در قرن ۱۷ به سمت فرانسه بوده در نتیجه ما برای یادگرفتن زبان‌های دیگر خیلی تنبل شدیم چون همه مردم به زبان فرانسه صحبت می‌کردند پس ما نیازی نداشتیم که به زبان دیگری حرف بزنیم. در حال حاضر کشورهای انگلیسی‌زبان غالب شدند و وضعیت مالی‌شان بهتر از ما است و شاید در آینده فرهنگشان را بر همه چیره کنند، و این علت ریشه‌ای کم‌دانستن ما از کشورهای دیگر است. شناخت ما بیش‌تر از کشورهای اسپانیا، ایتالیا، سوئیس، بلژیک و... است. چون زبان آنها هم فرانسه است؟!... حرف‌هایی که زدم بخش آخرش یک‌کمی هم شوخی بود. - منشی آقای لئونارد وارد می‌شود و ساعتش را به ایشان نشان می‌دهد -

گفت‌وگو با مسؤول ارتباطات رسانه‌ای و مردمی جشنواره آوینیون بخش اصلی IN

○ گویا وقت ما به اتمام رسیده، اگر حرفی باقی
مانده بفرمایید.

○ چه نوع تئاترهایی در ایران وجود دارد؟
● آیینی - سنتی، تمزیه، مدرن، کلاسیک...

○ خانم مونیک کوتانکا (Monuikue Kutanca)
لطفاً اطلاعاتی در مورد بخش اصلی - IN - به ما
بدهید و بخش اصلی چه ارتباطی با بخش جنبی
دارد؟

○ و چه جشنواره‌های تئاتری در ایران برگزار می‌شود؟
● جشنواره تئاتر آیینی - سنتی و مذهبی، تئاتر فجر،
جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران، تئاتر دانشجویی
و....

● نحوه برگزاری جشنواره اصلی با جنبی به کلی فرق
دارد. ما پیش‌تر به مسئله خلاقیت برنامه‌ای تأکید داریم.
مبتکر این کار ژان ویلار بود. ویلار مرد هنرمند تئاتر
است. هدف ما قبل از هر چیز ارایه کارهایی است که
زمینه هنری قابل قبولی دارند. انتخاب برنامه‌ها با آقای
برنارد فوردارسیه دبیر فستیوال اصلی است. مبنای
انتخابش را صرفاً بر روی هنرمندانی پایه‌ریزی می‌کند
که نسبت به آنها شناخت دارد چون کیفیت هنری کارها
مطرح است. چیزی که باعث می‌شود ما نتوانیم خیلی
به صورت باز در مورد کسانی که نسبت به آنها شناخت
نداریم در جشنواره جای دهیم مسئله حفظ کیفیت
اجراها است. مهم اسم یک هنرمند یا اسم یک کمپانی
نیست بلکه برای ما کیفیت بالای کار است که ملاک
انتخاب قرار می‌گیرد. این مهم نیست که هر بار بخواهیم
هنرمند جدیدی را مطرح کنیم وقتی کسی را می‌شناسیم
از او می‌خواهیم که یکی از کارهای جدیدش را به
جشنواره بیاورد. معیار ما برای انتخاب یا نامپشنامه
است یا بازیگر یا کارگردان یا کمپانی یا خود گروه
تئاتری.

○ تئاترها در ایران دولتی هستند یا خصوصی؟
● تئاتر با سرمایه بخش خصوصی هنوز شکل نگرفته
است. تئاترها با کمک دولت فعالیت می‌کنند. اما
طرح‌هایی هست که بخش خصوصی در این بخش
فعال شود.

○ از توضیحاتتان متشکرم.
● ما هم همینطور برای آشنایی با تئاتر ایران، دعوتتان
می‌کنیم به دیدن نمایش گروه ایرانی بیایید.

○ با کمال میل و آرزو می‌کنم مجدداً شما را ببینم.
● ما هم همینطور. ضمناً برای آشنایی بیشتر با تئاتر
ایران می‌توانید در زمان برگزاری جشنواره فجر که در
ماه فوریه برگزار می‌شود به تهران بیایید.

○ خیلی خوشحال خواهم شد و اگر دعوت شوم حتماً
خواهم آمد.
● با تشکر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید.

برای کمپانی‌هایی که از خارج از فرانسه می‌آیند،
انتخاب به این شکل است که ما حتماً برای دیدن کارها
به آن کشورها سفر می‌کنیم. قطعاً این انتخاب‌ها با دیدن
اجراها در کشور خودشان همراه است.

○ من هم متشکرم. به امید دیدار.
● به امید دیدار.

○ جشنواره اصلی چقدر بودجه دارد؟

● بودجه ما پنجاه میلیون فرانک است. از این بودجه تمام خرج‌ها و دستمزدها باید پرداخت شود. افرادی که برای سازماندهی جشنواره کار می‌کنند، بخش انتشارات شامل مجلات و بروشورها و پرداخت پول به برنامه‌هایی که رسماً دعوت شده‌اند و سایر امور جاری جشنواره؛ بخش قابل توجهی از این بودجه را وزارت فرهنگ و هنر می‌پردازد، شهرداری آوینیون و کمک دو استان را هم داریم به اضافه گیشه‌های فروش بلیط. تنظیم دقیق هزینه‌ها برای ما خیلی مهم است که تعادل بودجه‌ای داشته باشیم و با کسر بودجه مواجه نشویم.

○ تشکیلات سازمانی شما به چه نحو عمل

می‌کند؟

● دو گروه در جشنواره کار می‌کنند که کاملاً کارشان با هم متفاوت است. گروه هنری در پاریس و گروه فنی و سازمانی در آوینیون هستند.

○ سیاست خاصی برای انتخاب گروه‌های

فرانسوی و غیر فرانسوی دارید؟

● نه. به هر حال جشنواره در فرانسه است و اغلب گروه‌ها فرانسوی هستند ولی اجباری برای این انتخاب نداریم. امسال نمایش‌ها $\frac{1}{3}$ فرانسوی، $\frac{1}{3}$ اروپایی و $\frac{1}{3}$ آسیایی هستند. اما ممکن است سال دیگر این تناسب تفاوت کند.

○ نحوه ارتباط جشنواره با کشورها و گروه‌ها

چگونه است؟

● به هر حال ما انتخاب می‌کنیم ولی اگر از کشوری هم برای ما کاست فیلم همراه با روزنامه و... بفرستند ما اقدام خواهیم کرد و پس از دیدن کار اگر از کیفیت مطلوب هنری برخوردار باشد حتماً به جشنواره دعوت می‌شوند.

○ آیا تم خاصی را در نظر می‌گیرید؟

● امسال سال آسیایی‌ها بود و سال دیگر به امریکای جنوبی اختصاص خواهد داشت.

○ از آسیا کارهای سنتی را دعوت می‌کنید یا

مدرن یا گروه‌ها خودشان انتخاب می‌کنند؟

● هم سنتی هم مدرن برای ما فرق نمی‌کند ولی امسال در کره ما سعی کردیم کار نو هم بیاوریم.

○ با توجه به ۵۲ سال برگزاری جشنواره چه

سیاست مشخصی برای انتخاب آثار برتر دارید؟ و چگونه به ارزیابی خود می‌پردازید؟

● این خیلی طبیعی است. ما هر ساله نحوه ارتباطمان را تصحیح می‌کنیم و خودمان را مورد سؤال قرار می‌دهیم، و این بدیهی است ما در مدت جشنواره و در تمام طول سال تلاش می‌کنیم تا جشنواره بهتری داشته باشیم.

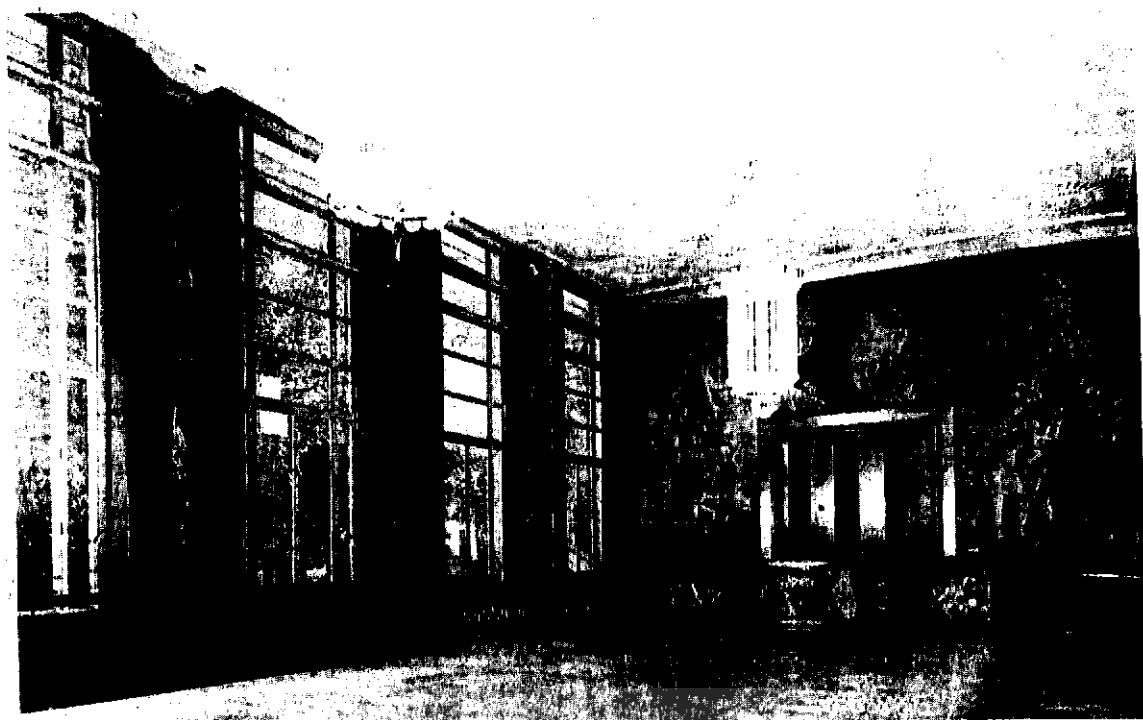
○ بین جشنواره اصلی و جنبی چه رابطه‌ای

است؟

● برگزاری جشنواره یک هدف و یک فکر دارد. آنچه که در جنبی اتفاق می‌افتد نمی‌توانیم بگوییم داخلی و خارجی. ولی جنبی تجاری است و رابطه‌های خودش را دارد. جنبی جشنواره نیست، یک بازار نمایش است، سالن اجاره می‌دهند، می‌فروشند و... به این صورت هیچ‌گونه ارتباطی نیست. ولی اگر در جنبی نمایش خوبی باشد ما حتماً دعوتش خواهیم کرد. در واقع رییس جشنواره جنبی مسئولیت هنری در مقابل کاری که انجام می‌شود ندارد. امیدوارم جواب سؤالاتتان را داده باشم و معرفی خوبی از جشنواره اصلی ارایه کرده باشم.

○ خانم کوتانکا، با جشنواره‌های تئاتر ایران

چقدر آشنایی دارید؟



ما با جشنواره‌های ایرانی هیچ‌گونه تماسی نداریم و هیچ شناختی از تئاتر شما نداریم. ولی اشتیاق بسیار داریم که با گروه‌های تئاتر ایران رابطه برقرار کنیم. تا به حال من فکر می‌کردم که شما نمی‌توانید با ما رابطه برقرار کنید ولی اگر ایران بخواهد ما برای برقراری این ارتباط بسیار اشتیاق داریم.

● ما با جشنواره‌های ایرانی هیچ‌گونه تماسی نداریم و هیچ شناختی از تئاتر شما نداریم. ولی اشتیاق بسیار داریم که با گروه‌های تئاتر ایران رابطه برقرار کنیم. تا به حال من فکر می‌کردم که شما نمی‌توانید با ما رابطه برقرار کنید ولی اگر ایران بخواهد ما برای برقراری این ارتباط بسیار اشتیاق داریم.

○ اجازه بدهید من از شما سؤالی داشته باشم، در ایران چه نوع تئاترهایی هست؟

● همه نوع تئاتر کار می‌شود و با توجه به کارهایی که در جشنواره دیدیم باید بگویم که ما فاصله زیادی با کارهای اجرا شده نداریم حتی می‌خواهم بگویم حرف‌های جدی‌تری برای گفتن داریم.

○ چند سال قبل یک گروه نمایشی تمیزیه و موسیقی از ایران در جشنواره آوینیون شرکت داشتند...

● بله ولی بعد از آن هیچ‌گونه ارتباطی با ما برقرار نشد.

○ و چه جشنواره‌هایی دارید؟

● سنتی - آیینی، فجر، دانشجویی و...

○ متشکرم.

● ما هم از شما متشکریم.

○ جشنواره‌ها معمولاً خواستار آثار موزه‌ای ما هستند و...

● چنین چیزی نیست. ما به هند و ژاپن که رفتیم تئاترهای کلاسیکشان بود ولی ما کارهای جدیدشان را که دارای ارزش بود آوردیم و از آمریکای لاتین آنچه را

تئاتر از نگاه صدرالدین زاهد

قطار پاریس - آوینیون - رستوران قطار



خیلی مشکل است که این گروه تئاتری با گروه دیگری به نام تماشاچی که به سالن می آید، بتواند ارتباط برقرار کند.

تئاتر برای من دیالوگ و تفاهم است. اگر در محیطی امکان دیالوگ وجود نداشته باشد دیگر من درونش نیستم و مقدار زیادی سوء تفاهم است که قبلاً هم بوده. با برقراری دیالوگ است که به تفاهم می رسیم اول با خودمان، بعد بین بازیگران بعد با تماشاگر وگرنه همه چیز در سوء تفاهم باقی می ماند و تبدیل به ادا می شود. باید دریچه فکری تان - کاریتان - را به قدری وسعت بدهید که تمام کمالات، درونش جای بگیرد. اگر این نباشد شما قدرت دریافت نخواهید داشت. پس

○ از خودتان و از تئاتر بگویید، از ایران تا پاریس.

● من با آربی کار کردم و از وقتی اینجا آمدم در کار تعلیماتی شرکت دارم. آن وقت ها کار ما ثمره اجرایی می داد. الان می شنوم که در ایران قرارداد می بندند، اجرا می کنند و بعد از اجرا دوباره پراکنده می شوند. نمی فهمم چطور ممکن است یک هنرپیشه بتواند در یک چنین زمینه ای کارش را ادامه بدهد. مثل نوازنده ای که باید بنوازد وگرنه چیزی که ملکه ذهنش شده از یادش می رود. بازیگر هم همینطور، بدن خشک می شود، صدا امکانات و سیمش را از دست می دهد، مسائل ارتباطی بین گروه گسسته می شود. برای من

نمی‌توانید چیزی هم پس بدهید.

تئاتر برای من تصور برخورد دنیای زشتی و بدی است. اگر زشتی را حذف کنیم زیبایی را نمی‌بینیم. اگر نگاه کنید تصویر ابتدایی از آدمی است که یک نیمه‌اش گرمی است و نیمه دیگرش خندان. به قول پیترو بروک، تصویر برخورد دنیای زشت و زیبا، دنیای ناپاکی و پاکی است، از برخورد این دو دنیا است که تراژدی - درام - شکل پیدا می‌کند. چهره هنرپیشه برای من چهره آدمی است که هم چهره پاک و عاقل و هم چهره دلقک و لوده است. این دو چهره است که معنا می‌دهد و هنرپیشه را شکل می‌بخشد. هنرپیشه‌ای که خیلی جدی است یک جایی اصلاً معنای هنرپیشگی را نفهمیده و در واقع عقل را گم کرده است.

گروهی که زمینه‌های کاری‌اشان را پی‌ریزی نکرده باشند که این زمینه‌ها عبارتند از: بدنی، ارتباطی، صوتی و کارهای تعادلی، دریافت‌های حسی و عاطفی متن، لحظات و سکوت، و گروهی که این ارتباطات غیر کلامی را بازگو می‌کنند چون زندگی سرشار از این لحظات است که در چشم یک نفر، در خشم، در عشق در رابطه حسی بین دو نفر موجود است اگر این لحظات بازسازی نشود و کار نشود آن تئاتر بی‌معنا است.

تئاتر کلام از یک گوش شنیده می‌شود و از گوش دیگر خارج می‌شود و چیزی دیگر از آن باقی نمی‌ماند. مسئله‌ای که در تئاتر خیلی مهم است چیزی است که گاه در ادبیات هم مطرح است. خود خط‌ها مهم نیست. بلکه؛ حسی که بین خط‌ها هست مهم است یعنی یک حس، بین خطوط یک معنای سومی هست که ناگفته است اما وجود دارد. در تئاتر هم همینطور است. مقصودم این است که یک داستان را وقتی می‌خوانید خطوطش دارای یک معنا است. اما نویسنده خوب کسی است که مقدار زیادی از این معنا را نمی‌گوید ولی معانی بسیاری وجود دارند بدون اینکه بازگو شوند. در تئاتر هم این معنا عیناً مصداق دارد. در تئاتر صرفاً

حرکت و بازی هنرپیشه مهم نیست. اما بین اینها یک حس خشن یا ملایمی هست که میان هنرپیشه‌ها در گردش است در نگاه، در مکششان، و یا در سکوت دسته‌جمعی که ایجاد می‌شود. در حالت بدنی که یک هنرپیشه در صحنه دارد و با اینها شکل می‌گیرد و این زمانی امکان دارد از هنرپیشه بیرون بزند که این زمینه طیفی از قبل آماده شده باشد. یعنی هنرپیشه برای بیرون ریختن این حس ناگفته آماده شده باشد. و این زمانی عمل می‌کند که اولین اصلش رعایت شود یعنی صداقت در کار باشد. و کار بر روی ریاکاری بنا نشده باشد. قضیه خشت اول است. یعنی اگر خشت اول درست نباشد بعداً هرچه ساخته شود بی‌معنا است. وقتی تماشاگر از سالن بیرون می‌آید نمایش برایش علی‌السویه است. عیب در نمایش است. تئاتری که تماشاگر وقتی از سالن بیرون می‌آید می‌خواهد دلیلی برای خوب بودن یا بد بودنش بترشد. اگر آن تئاتر، تماشاگر را از خود بی‌خود و دگرگون نکرده باشد و نگاه تازه‌ای برای دنیایی که در آن زندگی می‌کند، نداشته باشد، آن تئاتر بی‌معنا است. برای رسیدن به تئاتری اثرگذار باید گروه شکل بگیرد و پایه و هسته اصلی این کار بر مبنای کار گروهی است و اگر بازیگران خوب تعلیم ندیده باشند تئاتر ما مثل موتوری است که سال‌ها به آن رسیدگی نشده باشد بنابراین عملکرد درست خود را نخواهد داشت. یک جای کار اشکال دارد. آن وقت تماشاگر به وضوح در صحنه می‌بیند: فریادها و گریه‌ها دروغین است و در حسی که در صحنه وجود دارد، شرکت ندارد. به قول بروک: فقط ادای تئاتر را درمی‌آوریم، و همین، فکر می‌کنم کافی باشد. اینطور نیست؟

○ هرطور میل شما است. متشکرم.

● من هم متشکرم.